

پیغام پیغام



نامه ها

۱. امان از پیری

خانم حاجی حیدری برای دیدار نامه‌ای نوشته‌اند و طی چند سطر، دیدار را به خاک و خون کشیدند!

«ما که هر چه توی مجله گشتیم، جواب دو تا از سؤال‌های مسابقه ۲۲۱ را پیدا نکردیم. اگر مشکل را چشم‌های ماست، بفرمائید... شاید هم سن طراح سؤالات از صد سال گذشته باشد!»

* خانم حاجی حیدری... ما در مقامی نیستیم که در شغل شریف چشم پزشکی دخالت کنیم؛ اما طراح سؤالات را که از زیر آوار بیرون می‌کشیدیم (همان جریان به خاک و خون کشیده شدن دیدار توسط نامه شما!) پی بردیم ایشان صد و ده سال را هم رد کرده‌اند و دارند می‌زنند توی گوش ۰۲۱ سالگی... کاشف به عمل آمد، آقا صغر سنی گرفته بودند! اما از این حرف‌ها گذشته، جواب سؤال‌ها در مجله حی و حاضر بود نیاز به کمی ظرافت داشت.

۲. ای دست و دلباز خسیس!

به نامه‌ای که هم‌اینک به دست‌مان رسید توجه کنید: «دیدار آشنا یک مقدار دست و دلباز تر باشه، دو هفته نامه شدن پیشکش!»

* به جان خودمان این نامه مشکوک بود! دیدار آشنا احتمال می‌دهد نویسنده یا نویسنده‌های دیدار در تنظیم این نامه دست داشته‌اند! هنوز هیچ کدام از نویسندگان مسئولیت این نامه را به عهده نگرفته‌اند! تحقیقات برای یافتن عاملان این نامه ادامه دارد!

۳. توی آسمونا دنبال تون می‌گشتم!

خانم زارعی از اسلامشهر برای ما نوشته‌اند: «من در نمایشگاه مطبوعات با شما آشنا شدم. مجله فوق‌العاده‌ای دارید، اما توی اسلامشهر پیدایش نمی‌کنم!» * متأسفانه یکی از شهرهایی که فعلاً در آن‌ها

نمایندگی توزیع نداریم، اسلامشهر است. این‌شاءالله گذرتان به تهران خورد، خیلی راحت دیدار را روی دکه‌های روزنامه‌فروشی و در کنار پفک و سیگار و نوشابه و سایر مخلفات این دکه‌ها، پیدا خواهید کرد!



پیامک‌ها

۱. به زندگی امیدوار باشید!

۹۶۷۵-۹۱۲

«مجله جالبی دارید. داره از تون خوشم میاد!» * باور کنید هر بار خواستیم جواب پیامک شما را تنظیم کنیم اشک شوق‌مان باشید روی برگه و کل مجله را آب برداشت! به زندگی امیدوار شدیم!

۲. ای آدم کش‌ها!

۵۰۸-۹۳۸

«سلام به دیدار آشنایی‌ها. چرا پیامک منو جواب نمی‌دین؟ نگران تون شدم!!! دق می‌کنم‌ها! بعد میفته گردن شما!» * برادر یا خواهر گرامی... ما انقدر مار خوردیم که خودمان افعی شدیم! انقدر بعضی نویسنده‌ها و چاپخانه و... ما را دق داده‌اند برای چاپ نشریه، که ما هم رفته‌ایم توی کار دق دادن دیگران! چند وقتی است با حفظ سمت پیرزن هم خفه می‌کنیم!

۳. چه می‌کنه این دیدار آشنا

۵۸۶۶-۹۱۲

«بابا شما چه می‌کنید با این طرح جلد‌هاتون؟ من که هفته‌ای هشت روز، به جلد‌هاتون نگاه می‌کنم و جیگرم حال میاد... ای‌ی‌ی‌ی‌ی طرح جلد، ای‌ی‌ی‌ی‌ی با نمک!» * والا ما کار خاصی نمی‌کنیم! ما هم هفته‌ای هشت روز با طراح‌مان می‌نشینیم جک و لطیفه می‌گوئیم و توی سر و کله هم می‌زنیم! یکهو ناگافل می‌بینیم طرح جلد شماره جدیدمان از آسمان افتاد پائین!



روی میز تحریریه

● متحول می‌شویم!

اصلاً آنقدر شما را بد عادت کردیم که خودمان هم بد عادت شدیم! از بس که هر شماره (یا اگر خالی بندی‌مان را کم کنیم، هر دو شماره یک‌بار) تغییر و مطلب جدیدی در دیدار پیش آوردیم، این بار تغییرات عمده‌ای تدارک دیدیم تا روح تغییر مجله حسابی حال بیاید! صفحه «رویدادهای آشنا» از شماره قبلی دو صفحه‌ای شد... از این شماره هم صفحه عکاسخانه محتوای خبری، اجتماعی و جای ثابتی برای خودش دست و پا کرد و آمد به صفحه سه... از شماره بعدی هم که یک سورپرایز جدید به صفحات ثابت‌مان اضافه خواهیم کرد... دیگه چی می‌گید؟!

● کارگاه نویسندگی

سورپرایزهایمان هنوز تمام نشده‌اند... از سال جدید، یک سری کلاس‌های آموزش نویسندگی برقرار خواهیم کرد.

دوستانی که اهل قم هستند و به دفتر مجله دسترسی دارند مشکل خاصی برای حضور در این کلاس‌ها نخواهند داشت. می‌ماند دوستان شهرستانی که برای آن‌ها هم خوب فکری کردیم؛ «آموزش از راه دور!» یا همان «سیستم مکاتبه‌ای»

● ماست مالی زیشن!

بعصب منتقدین دیدار معتقدند که دیدار آشنا انتقادها را با شوخی جواب می‌دهد که با این روش انتقادها را ماست مالی کرده باشد! برادر من... خواهر من... آخر ما چطور انتقاد را جواب بدهیم که ماست مالی نشود؟

می‌خواهید از این به بعد یک چماق بگیریم دست‌مان و هر کسی که انتقاد کرد او را با چماق مورد عنایت قرار بدهیم؟! خوب شد حالا؟!

● پرونده ویژه بعدی

اگر به خاطر مبارک‌تان باشد، از شماره قبلی پشت دست‌مان را داغ زدیم که موضوعات پرونده‌های ویژه بعدی را لو ندهیم... فقط همین را بدانید که موضوع پرونده بعدی‌مان یک کمی «۱۸+» می‌باشد!!! جنبه‌ها را ارتقاء بدهید تا پرونده بعدی از راه برسد.

● این دفعه را نادیده بگیرید!

از آن‌جا که صفحه پیغام پیغام و روی میز تحریریه از صفحات پرتعداد مجله است، و از آن‌جا که این شماره، واقعا جا برای سوزن انداختن لای مطالب و صفحات نبود، به ناچار برای هر کدام از بخش‌های یاد شده این دفعه و استثنائاً فقط به یک ستون اکتفا نمودیم.

مشغول الذمه مائید اگر فکر کنید پیغام و پیامک برایمان نیامده بود و از این شایعات! مشغول الذمه مائید اگر ته دل‌تان چیزی بارمان کنید!